

چند نکته اتمی (1)

بر کسی پوشیده نیست که رژیم جمهوری اسلامی در باب کشتارهای جمعی و اقدام عمومی بر علیه بشریت سوابقی چندین و چند ساله دارد و اکنون که جنبش جهانی صلح در پی خلع سلاح قدرت های هسته ای موجود است و در این راستا فعالین این جنبش در اقصی نقاط جهان به مبارزه برای نابودی این سلاحها و بموازات آن حفظ محیط زیست انسانها می پردازند و برای صلح جهانی صفوف میلیونی خود را به خیابانها میکشانند و حتی از بستن و زنجیر کردن خود به ریل قطار در مسیر حرکت و انتقال مواد رادیو اکتیو و قطعات مورد استفاده برای نیروگاه های هسته ای ! نیز دریغ نمی کنند و گاه به عنوان دیوار انسانی و در مخالفت با جنگ در مقابل حملات هوایی آمریکا در بغداد به محافظت از کودکان و بیمارستانها می پردازند ، جمهوری اسلامی با شتابی بی مانند به سوی در اختیار گرفتن این سلاح ها حرکت می کند و در شرایطی که ماهها حقوق کارگران و معلمان به تعویق میافتد و هر روزه بر خیل پابرهنگان و کودکان خیابان نشین افزوده می گردد ، میلیارد ها دلار هزینه دستیابی به سلاح های هسته ای مینماید .

اهمیت قضیه از آن جهت است که جمهوری اسلامی همچون همتایان خود مانند آمریکا و انگلیس نه از عقل و منطق سیاسی و دیپلماتیک بلکه از منافع و موجودیت نحس و ضد بشری خود به عنوان حامیان مناسبات سرمایه داری و ملزومات بقای آن پیروی میکنند و هر آنچه موجود است را وسیله ای برای پیشبرد عطش سود جویی و ضد انسانی خویش بکار می گیرند و این خود حدیثی است از خطر بالقوه ای که کشورمان ایران و مردم زجرکشیده اش را تهدید میکند.

خطری که در گرماگرم جنگ افزوزی های رژیم و تهدیدها و ماجراجویی های بوش و همدستانش می تواند به جنگی ناخواسته بر علیه مردم کشورمان کشانیده شود. در پی این سیاستها و ویژگی ها بود که رژیم کوتاه پس از آغاز جنگ خاتمانسوز 8 ساله تصمیم به تداوم راه سلف خود شاه ساقط شده گرفت و بدین شکل راز بقا در منطقه و تسهیل صدور انقلاب را ادامه پروژه ناتمام هسته ای یافت و در پی آن به ایجاد نیروگاههای هسته ای در سایر نقاط نیز اقدام نمود.

اینکه این پروژه ها در کدام مرحله از پیشرفت و تکامل قرار دارند ، به علت کتمان و مخفی نگاه داشتن کامل آنها به سختی میتوان پاسخی یافت ، اما اطلاعات منتشر شده از منابع متفاوت نشان دهنده آن است که بزودی این مقوله میتواند کشورمان را در اعماق بحرانی سیاسی و اجتماعی فرو برد.

نیروگاه اتمی بوشهر در 17 کیلومتری جنوب شهر بوشهر قرار دارد و انستیتو انرژی هسته ای نیز در این مکان واقع شده است .

این مجموعه از 2 راکتور اتمی و حدود 130 ساختمان تشکیل شده است و مجموعه مساحت آن دو و نیم کیلومتر مربع می باشد . این منطقه با سیم های خاردار محافظت می شود و علاوه بر آن برج های دیده بانی مشرف به خیابان های اطراف نیروگاه میباشند . در داخل نیروگاه 3 باند فرود برای هلی کوپترها در نظر گرفته شده است .

در سال 1992 ایران و روسیه از طریق انعقاد قراردادهای دولتی به همکاری در مورد پروژه هسته ای پرداخته که پایه و مبنای اعلام شده آن ، دستیابی کشور ایران به انرژی هسته ای برای مصارف غیر نظامی از جمله تولید برق بوده است .

سال 1998 یعنی حدود 6 سال بعد از انعقاد قرار داد نیروگاه هسته ای بوشهر ، دولت آمریکا با این استدلال که کشور ایران با توجه به در اختیار داشتن منابع عظیم نفت و گاز داخلی برای تولید برق و انرژی ، نیازمند راکتورهای اتمی نمیشود ، به مخالفت با ادامه این پروژه پرداخته و با مسولین دولت روسیه وارد مذاکره میگردد .

آمریکایی ها بر این اعتقاد هستند که جمهوری اسلامی میتواند از این نیروگاهها برای اهداف نظامی بهره برداری نماید و عناصر اطلاعاتی آنان از یک برنامه تولید سلاحهای هسته ای در ایران خبر میدهند.

با وجود این روسها به همکاری خود با ایران برای راه اندازی نیروگاه بوشهر ادامه دادند. فشار سیاسی و دیپلماتیک آمریکایی ها تنها به روسیه ختم نشد و در همان سال در دیداری که آلبریشت از اوکراین انجام داد، به مقامات این کشور در برابر فروش توربین های مورد نیاز راکتور اتمی بوشهر با ارزشی حدود 45 میلیون دلار هشدار داد.

در متن این وقایع مسولین جمهوری اسلامی اعلام می کنند که تولید برق و انرژی بوسیله منابع نفتی و گاز داخلی کشور مخارج سنگین تری در پی خواهد داشت.

در حین دیدار خاتمی از روسیه و گفتگو با همتای خود پوتین، طرح توسعه قرارداد از جانب خاتمی ارائه میشود که می تواند مبلغ معامله را تا یک میلیارد دلار بالا ببرد.

این مبلغ تنها بخشی از کل پروژه هسته ای ایران است که با روسیه مد نظر می باشد و در واقع طبق اطلاعاتی که منابع متنوع خبری می دهند، مجموعه این طرح ها شامل چندین راکتور میباشد که علاوه بر بوشهر، اراک، نطنز و نقاطی دیگر را نیز دربر میگیرد و مجموعه هزینه های آن به بیش از 4 میلیارد دلار میرسد.

لازم به یادآوریست که اساسا طرح دستیابی به انرژی هسته ای از سال 1976 میان ایران و آلمان و بوسیله شرکت زیمنس مطرح بوده است.

طرح اولیه قرارداد انتقال راکتور به بوشهر میان ایران و روسیه قرار بوده که تا سال 1382 یعنی 2004 به اتمام رسد و در این زمینه گفته میشود که حدود 600 مستشار روسی در این مکان اشتغال دارند که در ساختمانهای مجزا و محصور توسط دیوارهای قطور زندگی می کنند.

طبق اطلاعاتی صادر شده قرار است که زباله های اتمی باقیمانده از کارکرد نیروگاه هسته ای بوشهر به کشور روسیه بازگردانده شود.

برخی از منابع اطلاعاتی خبری اعلام کرده اند که یک واحد از این نیروگاه از سپتامبر 2003 وارد عمل می شود و آماده بهره برداریست.

در سال 2002 ایران و روسیه قراردادی را امضا میکنند که طرح اتمام پروژه انرژی هسته ای بوشهر را تسریع کنند و روسیه تعهد میکند که تا سال 2005 این طرح به اتمام و آماده بهره برداری گردد.

در یک کنفرانس مطبوعاتی مشترک وزیر انرژی کشور روسیه و غلام رضا آقازاده گفته می شود که بهره برداری برای مصرف برق از نیروگاه اتمی بوشهر میتواند از سال 2003 آغاز گردد. این در حالیست که به علت عدم پایبندی رژیم به پرداخت به موقع مبالغ تعهد شده،

پیشرفت همکاری های دو طرف بارها دچار وقفه گردیده است و جمهوری اسلامی برای تحت فشار قرار دادن روسیه با همتاهای چینی و کره شمالی به گفتگو نشست است.

محمد خاتمی نیز در کنفرانسی مطبوعاتی اعلام می کند که ایران در پی دستیابی به سلاحهای هسته ای نیست.

منابع متعددی نیز بر این عقیده بوده اند که ایران از سال 2000 به سلاح اتمی مجهز گشته است.

برخی نیز معتقدند که ایران در سال 2003 این سلاح ها را در اختیار خواهد گرفت.

اما همه براین باور مشترکند که ایران بدون کمک کشورهای خارجی توانایی تولید این سلاحها را نخواهد داشت.

مامورین سیا بر این اعتقاد هستند که ایران در حال حاضر این سلاحها را در اختیار دارد. روزبه وین